



آموزش خلاق کودک محور

بررسی موانع خلاقیت در دانش آموزان از دیدگاه معلمان

نویسندگان:

سید علیقلی روشن

عبدالوهاب پورقاز

عبدالباسط مرادزاده

جست و جو و آماده سازی:

مؤسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان



مؤسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان



در عصر گسترش روزافزون علوم و فنون و حاکمیت صنایع و تکنولوژی برتر بر همه ابعاد و جنبه‌های زندگی، مسئله‌ای که بیش از هر چیز دیگر توجه کارگزاران جوامع را به خود جلب کرده است، مسئله خلاقیت، نوآوری، هدایت و حمایت از صاحبان اندیشه‌های خلاق است. بحث درباره خلاقیت به معنای سخن گفتن درباره با ارزش‌ترین و سرنوشت‌سازترین مفاهیم و پدیده‌هاست. هدف پژوهش حاضر بررسی موانع ایجاد خلاقیت در دانش‌آموزان مدارس راهنمایی از دیدگاه معلمان است. روش مورد استفاده در این پژوهش روش توصیفی-پیمایشی و نمونه آماری تحقیق شامل ۳۱۰ نفر (۱۲۸ نفر مرد و ۱۸۲ نفر زن) از معلمان مدارس راهنمایی نواحی ۱ و ۲ شهر زاهدان می‌باشد. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد.

یافته‌های پژوهش نشانگر این بود که از دیدگاه معلمان کمبود و ضعف امکانات و تجهیزات آموزشی، اهداف و محتوای کتب درسی نامتناسب، روش‌های تدریس فعلی معلمان و تأکید زیاد بر نمره دانش‌آموز به‌عنوان ملاک ارزشیابی از عمده‌ترین موانع خلاقیت در نظام آموزشی ما هستند. همچنین یافته‌های پژوهش بیانگر این بود که روش‌های تدریس فعلی معلمان عامل اصلی در عدم خلاقیت دانش‌آموزان می‌باشد، اهداف و محتوای کتب درسی و کمبود و ضعف امکانات و تجهیزات آموزشی در رتبه‌های بعدی قرار داشتند و تأکید زیاد بر نمره (*). عضو هیأت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان دانش‌آموز به‌عنوان ملاک ارزشیابی اگرچه مانع خلاقیت تلقی می‌شود ولی در بین سایر عوامل در رتبه آخر قرار دارد و دارای کمترین اهمیت و تأثیر است.

مقدمه

تحولات سریع جوامع در عصر حاضر، موجب تغییر و تحول در اهداف، محتوا، ساختار و روش‌های آموزش و پرورش شده است. برخلاف گذشته، دیگر آموزش و پرورش فقط به انتقال دانش و معلومات کلیشه‌ای و تقویت حافظه توجه ندارد، بلکه توسعه حس انتقاد و قضاوت صحیح، تقویت مهارت‌های زندگی اجتماعی و به‌طور کلی شخصیت سالم، اهداف اصلی آموزش و پرورش را تشکیل می‌دهند (سام خانیان، ۱۳۸۱: ۸۹). با پرورش خلاقیت در دانش‌آموزان می‌توان دیدگاه آنان را نسبت به محیط اطراف گسترش داد و بینش آنان را دقیق‌تر، نگاه آنان را به طبیعت منطقی و روابط آنان با انسان‌ها را اخلاقی و انسانی‌تر نمود. بنابراین اگر قبول کنیم که بزرگ‌ترین سرمایه یک کشور، نیروهای متفکر و خلاق آن کشور است، هرگونه هزینه در عرصه پرورش خلاقیت دانش‌آموزان، سرمایه‌گذاری بزرگ و ماندگاری است که دنیای فعلی ما را خواهند ساخت و آیندگان را ثمرات ارزشمند آن بیشتر بهره‌مند خواهند شد (قاسمی، ۱۳۸۰: ۸). پرورش خلاقیت کودکان کار آسانی نیست و به اعتقاد، عزم راسخ و تعهد والدین و مربیان نیاز دارد. تمام کودکان نمونه‌های خارق‌العاده‌ای هستند، آن‌ها می‌توانند خلاق بوده و در بزرگی نیز می‌توانند خلاق باقی بمانند. خلاقیت تنها مختص افراد استثنایی تیزهوش نیست، هرچند ممکن است این افراد دارای نیروی بالقوه بیشتری برای استفاده در راه‌های خلاق باشند (آمابلی، ۱۳۷۷: ۷). بسیاری چنین می‌پندارند که ابداع، خصوصیت ذاتی برخی افراد است که با این نوع توانایی متولد می‌شوند، در صورتی که مدت‌ها ثابت شده است که این استعداد در نوع بشر به‌اندازه حافظه عمومیت دارد.





می‌توان آن را با کاربرد اصول و فنون معینی، با ایجاد طرز فکرهای جدید، با اجتناب از عادات و عواملی که این استعدادها را خفه می‌کند و با کاربرد مداوم آن پرورش داد (اسبورن: ۱۸). در میان عناصر و عوامل موثر آموزشی، معلمان نقش کلیدی را ایفا می‌کنند. معلمان می‌توانند خلاقیت را در دانش‌آموزان نیز پرورش دهند (حسینی، ۱۳۷۶: ۱۳). بنا به گفته استرانگ ۱ بهترین ملاک اثربخشی معلم، هدایت یادگیری دانش‌آموزان است. در واقع معلم، از راه آموزش، در تجارب یادگیری دانش‌آموزان دخل و تصرف می‌کند تا بر یادگیری آنان تأثیر بگذارد (استرانگ، ۲۰۰۶: ۱۱).

معلمی که وظیفه اصلی خویش را انتقال مستقیم مطالب درسی بدون مشارکت دانش‌آموزان در فرایندهای کلاسی می‌داند عملاً سبب از بین رفتن زمینه‌های خلاقیت در دانش‌آموزان خواهد شد. سیدل ۲ و شاولسون ۳ بر همین اساس گفته‌اند: آموزش به‌عنوان ابزار خلق محیط‌های یادگیری که در آن فعالیت‌های موردنیاز یادگیرندگان برای ساخت دانش و کسب توانایی تفکر به حداکثر می‌رسد، تعریف می‌شود (سیدل و شاولسون، ۲۰۰۷: ۴۵۸). معلم نباید تنها با روش آموزش مستقیم، به انتقال دانش و معلومات به یادگیرنده بسنده کند، بلکه باید کلاس را به‌گونه‌ای سازمان دهد که یادگیرندگان از طریق ارتباط فعال خود با موضوع درسی، یاد بگیرند. یعنی باید آنان را تشویق و تحریک کند تا به تجربه و آزمایش دست بزنند و از این راه دانش علمی را برای خود کشف نمایند (برونر، ۱۹۶۶: ۷۲).

در پژوهش حاضر مهم‌ترین موانع ایجاد خلاقیت در دانش‌آموزان از دیدگاه معلمان بررسی خواهد شد. آگاهی از این نکته که مهم‌ترین مؤلفه‌های خلاقیت مرتبط با کار معلمان چه می‌باشند ضروری است. عوامل بی‌شماری در ایجاد یا بازدارندگی خلاقیت دخیل هستند اما براساس تحقیقات صورت گرفته عمده‌ترین عواملی که ارتباط مستقیم با خلاقیت یا عدم خلاقیت دانش‌آموزان دارند، عبارت‌اند از: امکانات و تجهیزات آموزشی، اهداف و محتوای کتب درسی، شیوه‌های تدریس معلمان و میزان تأکید معلمان بر معیار قرار دادن نمره دانش‌آموزان به‌عنوان ملاک ارزشیابی.

1. Strong
2. Seidel
3. Shavelson

در آموزش و پرورش ایران مواد و وسایل آموزشی به جز کتاب درسی در حاشیه آموزش قرار دارند و علیرغم وجود بعضی از وسایل و مواد مختلف در مدرسه، به ندرت از آن‌ها استفاده می‌شود. در مواردی نیز که از این وسایل استفاده می‌شود، دانش‌آموزان به‌طور غیرفعال به مشاهده جریان آزمایشات که توسط معلم انجام می‌شود، می‌پردازند. در مواردی نادر که چند تن از دانش‌آموزان به آزمایش می‌پردازند همان کاری را انجام می‌دهند که دستورالعمل آن قبلاً به آن‌ها داده شده است. چنین رویه‌ای، ابتکار، کنجکاوی، اعتماد به نفس، انگیزه تلاش و کوشش و بالاخره خلاقیت و نوآوری را از بین می‌برد (فرنودی، ۱۳۷۰: ۱۱).

کتاب‌های درسی عمده‌ترین منبع یادگیری دانش‌آموزان است و در صورتی که محتوای کتاب‌های درسی همسویی مستقیم با اهداف برنامه درسی نداشته باشد، تحقق این اهداف نیز غیرممکن است (صفوی، ۱۳۶۵: ۲۴).



اگر محتوا فقط منتقل کننده حقایق و واقعیات علمی باشد، جز حفظ طوطی وار مفاهیم علمی نتیجه‌ای نخواهد داشت و لازم است دانش‌آموزان را به گونه‌ای بار آوریم که به نوعی روش خودآموزی و یادگیری خودکار برسند (لوی، ۱۳۶۹: ۱۰۸). طرح کتاب درسی در ایران بیشتر محتوا محور بوده و غالباً نقش انتقال دادن ۱ سویه محتوا را از مؤلف به دانش‌آموزان دارد. دانش‌آموز به هنگام خواندن کتاب کمتر به انجام فعالیت‌های ذهنی، تحلیل مسایل و مفهوم‌سازی دعوت می‌شود و زحمت انجام این فعالیت‌ها را چنانچه مطرح شوند، کاملاً مؤلف به عهده می‌گیرد و نتایج آن‌ها را در پیش روی دانش‌آموزان قرار می‌دهد. این‌گونه انتقال محتوا متاسفانه در کتاب‌های نظام جدید آموزشی به خوبی دیده می‌شود (ملکی، ۱۳۷۴: ۲۴۱).

اگرچه شرایط و امکانات آموزشی از جمله عوامل موثر در جریان یادگیری می‌باشند، اگر معلم با اصول و مبانی، هدف‌های آموزش و پرورش، ویژگی‌های شاگردان و نیاز آنان، روش‌ها و فنون تدریس و معایب و محاسن هر روش آشنایی نداشته باشد. هرگز قادر نخواهد بود زمینه شکوفایی استعداد و پرورش خلاقیت شاگردانش را فراهم کند (شعبانی، ۱۳۷۱: ۳۰). سبک اداره کلاس توسط معلم باید سبک اقتدارگرایی آزادمنشانه یا دموکراسی قانون مدارانه باشد. در مجموع این سبک به دانش‌آموزان بیشتر از سبک‌های مستبدانه و آزادگذاری فایده می‌رساند و به آنان کمک می‌کند تا به صورت یادگیرندگان فعال و خود سامان‌گر (خود نظم دهنده) بار آیند (سانتروک، ۲۰۰۴: ۴۵۹).

ارزشیابی آموزشی، جزء فرایند یاددهی، یادگیری است و از آن جهت برای معلم اهمیت دارد که انبوهی از اطلاعات را برای تنظیم فعالیت‌های بعدی کلاس در اختیار او می‌گذارد. بنابراین ارزشیابی آموزشی، روشی مستمر و پویا برای شناسایی خطاها و کمبودهای فرایند یاددهی و یادگیری است (کدیور، ۱۳۸۲: ۲۴۸). متأسفانه برخی از معلمان از امتحان به عنوان یک ابزار قدرت استفاده می‌کنند و با ایجاد زمینه‌های نامطلوب آموزشی، نوعی نگرانی و وحشت از امتحان برای همیشه در اذهان شاگردان باقی می‌گذارند و زمینه نوآوری و خلاقیت را در دانش‌آموزان از بین می‌برند (شعبانی، ۱۳۷۱: ۳۸۷).

با تأملی در نظام آموزشی کشورمان می‌توان دریافت که فاصله ما با آنچه می‌تواند زمینه‌های رشد و توسعه خلاقیت را در کودکان و نوجوانان فراهم آورد، بسیار زیاد است. بنابراین پژوهش درباره عناصر گوناگون آموزش و نقش آن‌ها در پرورش نیروی خلاقیت دانش‌آموزان و همچنین شناسایی موانع و عوامل بازدارنده خلاقیت از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. در اکثر تحقیقاتی که در زمینه خلاقیت صورت گرفته است، تأثیرات وجود یا عدم وجود این عوامل بر خلاقیت مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

حسینی (۱۳۷۶) در یک مقاله پژوهشی «عوامل و موانع رشد خلاقیت» را مورد بررسی قرار داده است و به صورت زیر نتیجه‌گیری می‌کند:

- هرچند توانایی خلاقیت به‌طور بالقوه و به نحو فطری در انسان به ودیعه نهاده شده است، اما ظهور، رشد و توسعه آن وابسته به عوامل مختلف فردی، اجتماعی و غلبه بر موانع فردی و اجتماعی است.

- از بین عوامل مختلف آموزش خلاق، فکر کردن و انگیزه از اهمیت خاصی برخوردار است.

در تحقیقی که توسط جعفری (۱۳۸۳) با عنوان «بررسی عوامل بازدارنده خلاقیت در مدارس ابتدایی استان سیستان و بلوچستان، صورت گرفته است، نتایج زیر به دست آمده است:

۱- مهم‌ترین عوامل پیش‌بینی کننده خلاقیت دانش‌آموزان، کاهش شرکت معلمان در دوره‌های ضمن خدمت، کاهش سابقه معلم و استفاده معلم از روش سخنرانی در تدریس بوده است

۲- رابطه معنادار معکوسی بین مدرک تحصیلی، سابقه تدریس و دوره‌های آموزش ضمن خدمت و میزان استفاده معلم از تنبیه وجود دارد. به عبارت دیگر معلمانی که دارای مدرک تحصیلی پایین‌تری بوده‌اند و سابقه کمتری در آموزش و پرورش دارند، بیشتر از تنبیه استفاده می‌کنند. همچنین هرچه معلمان در دوره‌های کمتری شرکت کرده باشند از متغیر شبیه استفاده می‌کنند.

۳- بین میزان حضور معلم در دوره‌های آموزش ضمن خدمت و کارگاه‌های آموزشی و میزان استفاده آنان از روش سخنرانی رابطه معکوس وجود دارد. یعنی هرچه معلمان دوره‌های کمتری دیده و در کارگاه‌های کمتری شرکت نموده باشند، میزان استفاده آنان از روش سخنرانی بیشتر است.

۴- معلمانی که دارای مدرک تحصیلی پایین‌تری هستند به میزان بیشتری از ارزشیابی نهایی (امتحان) استفاده می‌کنند.

تحقیقی با عنوان "بررسی زمینه‌های خلاقیت در پرسش‌ها و تکالیف درسی جامعه‌شناسی ۱ و ۲، روانشناسی، دانش اجتماعی و آشنایی با برنامه‌ریزی تحصیلی و شغلی نظام جدید متوسطه" توسط ادیب (۱۳۷۹) انجام گرفته که نتایج زیر حاصل شده است:

- در کتاب‌های دانش اجتماعی و جامعه‌شناسی ۱ و ۲ بیش‌ترین پرسش‌ها و تکالیف در سطح تفکر همگرا و حافظه ارایه شده‌اند و به شکل مطلوبی به خلاقیت ذهنی نیز توجه شده است.
- در کتاب‌های روانشناسی و برنامه‌ریزی تحصیلی، شغلی بیش‌ترین پرسش‌ها و تکالیف در سطح حافظه ارایه شده و به تفکر واگرا و خلاقیت ذهنی توجه بسیار اندکی شده است
- در میزان توجه به خلاقیت ذهنی براساس نظریه گیلفورد و گانیه در پرسش‌ها و تکالیف درسی کتاب‌های مورد بررسی تفاوت معناداری وجود ندارد.

مطالعه شهرآرا (۱۳۷۴) نشان داده است: پرورش دهندگان خلاقیت از امکانات سمی و بصری، کامپیوتر، کانال‌های ارتباطی و دیگر وسایل آموزشی بیشتر بهره می‌گیرند و یادگیری را با استفاده از حواس مختلف فعال‌تر





می‌کنند. نتیجه دیگر اینکه آن‌ها طبیعت را فضایی مناسب برای یادگیری و خلاقیت می‌دانند و فراگیران را به مشاهده پدیده‌های طبیعی، مراکز علمی، فرهنگی، هنری و... هدایت می‌کنند.

لفرانکوویس ۱ (۱۹۶۷) نشان داد که آموزگاران صمیمی با ظرافت طبع، بیش از آموزگارانی که به‌عنوان افراد با انضباط و منظم توصیف می‌شوند، رفتار خلاق را در دانش‌آموزان خود تشویق می‌کنند. آزبورن ۲ (۱۹۷۵) با ابداع روش بارش مغزی ۳ در کتاب خود، آن را روش مناسبی برای پرورش خلاقیت دانش‌آموزان می‌داند (سام خانیان، ۱۳۸۱: ۴۳).

در پژوهش حاضر سعی بر این است که چگونگی تأثیرگذاری این عوامل بر خلاقیت دانش‌آموزان، از دیدگاه معلمان، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد. بر این اساس هدف پژوهش حاضر بررسی موانع ایجاد خلاقیت در دانش‌آموزان راهنمایی شهر زاهدان، از دیدگاه معلمان می‌باشد.

برای دستیابی به هدف فوق سوالات زیر مورد آزمون قرار گرفت:

- ۱- آیا کمبود و ضعف امکانات و تجهیزات آموزشی، مانع رشد خلاقیت دانش‌آموزان می‌گردد؟
- ۲- آیا اهداف و محتوای کتب درسی فعلی، مانع رشد خلاقیت دانش‌آموزان می‌شود؟
- ۳- آیا آشنایی و تسلط اندک معلمان بر شیوه‌های تدریس خلاق، مانع رشد خلاقیت دانش‌آموزان می‌شود؟
- ۴- آیا تأکید زیاد بر نمره دانش‌آموز به‌عنوان ملاک ارزشیابی، مانع رشد خلاقیت دانش‌آموزان می‌شود؟
- ۵- آیا بین نگرش معلمان در مورد تأثیر تجهیزات آموزشی بر خلاقیت دانش‌آموزان به تفکیک جنسیت، سطح تحصیلات و ماهیت دروس تفاوت معناداری وجود دارد؟
- ۶- آیا بین نگرش معلمان در مورد تأثیر اهداف و محتوای کتب درسی بر خلاقیت دانش‌آموزان به تفکیک جنسیت، سطح تحصیلات و ماهیت دروس تفاوت معناداری وجود دارد؟
- ۷- آیا بین نگرش معلمان در مورد تأثیر عدم آشنایی و تسلط اندک معلمان بر شیوه‌های تدریس خلاق بر خلاقیت دانش‌آموزان به تفکیک جنسیت، سطح تحصیلات و ماهیت دروس تفاوت معناداری وجود دارد؟
- ۸- آیا بین نگرش معلمان در مورد تأکید زیاد بر نمره دانش‌آموز به‌عنوان ملاک ارزشیابی بر خلاقیت دانش‌آموزان به تفکیک جنسیت، سطح تحصیلات و ماهیت دروس تفاوت معناداری وجود دارد؟

1. Lefrankowis
2. Alex Asborn
3. Brainstorming

باتوجه به هدف «بررسی موانع خلاقیت در دانش‌آموزان مدارس راهنمایی شهر زاهدان از دیدگاه معلمان»، روش تحقیق در پژوهش حاضر توصیفی و از نوع پیمایشی می‌باشد.

جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه معلمان مدارس راهنمایی دخترانه و پسرانه شهر زاهدان در سال تحصیلی ۸۶-۸۷ به تعداد ۱۱۳۱ نفر می‌باشد.

نمونه آماری این پژوهش ۳۱۰ نفر از معلمان مدارس راهنمایی دخترانه و پسرانه شهر زاهدان (۱۲۸ مرد و ۱۸۲ زن) می‌باشد که به روش نمونه‌گیری تصادفی-طبقه‌ای انتخاب شده‌اند. بدین صورت که نسبت جامعه باتوجه به جنسیت، سطح تحصیلات و نوع درسی که معلمان تدریس می‌کنند؛ در نمونه لحاظ گردید و بر این اساس بین معلمین نمونه مورد بررسی، پرسشنامه توزیع گردید.

برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه محقق ساخته، حاوی ۳۵ سؤال بسته پاسخ بر اساس طیف لیکرت استفاده شد. برای بررسی روایی محتوایی پرسشنامه‌ها، سؤالات در اختیار تعدادی از اساتید و صاحب‌نظران قرار گرفت و از آن‌ها درخواست شد در مورد مرتبط و مناسب بودن سؤالات در ارتباط با هدف و سؤال‌های پژوهش نظر دهند. در نهایت سؤالاتی در پرسشنامه به کار گرفته شد که توسط اساتید مناسب و مرتبط تشخیص داده شدند (از ۴۷ سؤال طرح شده، ۳۵ مورد مناسب تشخیص داده شدند). برای برآورد پایانی پرسشنامه مورد استفاده در پژوهش حاضر، از روش ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. به این منظور پرسشنامه روی ۳۰ نمونه اجرا شد و پایانی به دست آمده برای فرضیه ۱ یعنی کمبود و ضعف امکانات آموزشی با ۱۰ آیت، ضریب آلفای ۰.۷۰٪ برای فرضیه دوم یعنی اهداف و محتوای کتب درسی با ۸ آیت، ضریب آلفای ۰.۸۶٪ و برای فرضیه ۳ یعنی عدم آشنایی معلمان با شیوه‌های تدریس خلاق با ۱۰ آیت، ضریب آلفای ۰.۸۴٪ برای فرضیه چهارم یعنی تأکید زیاد بر نمره دانش‌آموز با ۷ آیت، ضریب آلفای ۰.۸۱٪ به دست آمد.

برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش باتوجه به ماهیت داده‌ها و مقیاس اندازه‌گیری از آمار توصیفی (شامل تنظیم جداول، نمودار، درصد و میانگین) و آمار استنباطی (آزمون t تک گروهی برای آزمون سؤال‌های اصلی پژوهش یعنی سؤال‌های ۱ تا ۴)، و همچنین آزمون t گروه‌های مستقل برای بررسی متغیرهای دموگرافیت یعنی سؤال‌های ۵ تا ۸ استفاده گردید.



در بررسی سؤال‌های ۱ تا ۴ نتایج زیر به دست آمد:

جدول ۱: نتایج آزمون t تک گروهی برای سؤال‌های ۱ تا ۴ پژوهش

جدول ۱: نتایج آزمون t تک گروهی برای سؤال‌های ۱ تا ۴ پژوهش

سؤالات	تعداد	میانگین	میانگین ملاک	انحراف معیار	t	df	Sig.
سؤال ۱: آیا کمبود و ضعف امکانات و تجهیزات آموزشی مانع رشد خلاقیت دانش‌آموزان می‌گردد؟	۳۱۰	۳/۳۸۹	۳	۰/۷۱۸	۹/۵۵۵	۳۰۹	۰/۰۰۰
سؤال ۲: آیا اهداف و محتوای کتب درسی نامناسب مانع رشد خلاقیت دانش‌آموزان می‌شود؟	۳۱۰	۳/۵۳۵	۳	۰/۷۵۶	۱۲/۴۷۰	۳۰۹	۰/۰۰۰
سؤال ۳: آیا عدم آشنایی و تسلط اندک معلمان بر شیوه‌های تدریس خلاق، مانع رشد خلاقیت دانش‌آموزان می‌شود؟	۳۱۰	۳/۵۵۹	۳	۰/۶۹۳	۱۴/۲۰۹	۳۰۹	۰/۰۰۰
سؤال ۴: آیا تأکید زیاد بر نمره‌ی دانش‌آموز به عنوان ملاک ارزشیابی مانع رشد خلاقیت دانش‌آموزان می‌شود؟	۳۱۰	۳/۱۴۴	۳	۰/۸۱۰	۳/۱۴۴	۳۰۹	۰/۰۰۲

نتایج جدول ۱ بیانگر این است که تمامی عوامل مورد بررسی با درجه آزادی ۳۰۹ در سطح بالاتر از ۹۹ درصد به لحاظ آماری معنی‌دار بوده ($p > 0\%$) و عواملی همچون: کمبود و ضعف امکانات و تجهیزات آموزشی، اهداف و محتوای کتب درسی نامناسب، عدم آشنایی و تسلط اندک معلمان بر شیوه‌های تدریس خلاق و تأکید زیاد بر نمره دانش‌آموز به عنوان ملاک ارزشیابی مانع رشد خلاقیت دانش‌آموزان می‌شود. به عبارت دیگر، یافته‌های پژوهش بیانگر این است که روش‌های تدریس فعلی معلمان عامل اصلی در عدم خلاقیت دانش‌آموزان می‌باشد. اهداف و محتوای کتب درسی نامناسب، و کمبود و ضعف امکانات و تجهیزات آموزشی در رتبه‌های بعدی قرار داشته و تأکید زیاد بر نمره دانش‌آموز به عنوان ملاک ارزشیابی اگرچه مانع خلاقیت تلقی شده ولی در بین سایر عوامل در رتبه آخر قرار داشته و دارای کمترین اهمیت و تأثیر است.



سؤال پنجم پژوهش: آیا بین نگرش معلمان در مورد تأثیر تجهیزات آموزشی بر خلاقیت دانش آموزان به تفکیک جنسیت، سطح تحصیلات و ماهیت دروس تفاوت معناداری وجود دارد؟

جدول ۲: نتایج آزمون t گروه‌های مستقل در مورد سؤال پنجم

جدول ۲: نتایج آزمون t گروه‌های مستقل در مورد سؤال پنجم

ویژگی	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	t	درجه آزادی	سطح معناداری
جنسیت	زن	۳/۵۹	۷/۹۶۲	۱/۰۶۱	۳۰۸	۰/۲۹۰
	مرد	۳/۴۸	۷/۸۹۶			
سطح تحصیلات	فوق دیپلم	۳/۴۳	۷/۹۰۸	-۲/۷۲	۳۰۸	۰/۰۰۷
	لیسانس	۳/۷۲	۷/۹۵۳			
نوع درس	نظری	۳/۶۱	۷/۹۳۳	۱/۱۲۹	۳۰۸	۰/۲۶۰
	عملی	۳/۴۹	۷/۹۳۷			

نتایج جدول ۲ حاکی از آن است که تفاوتی بین میانگین پاسخگویان (معلمین) به لحاظ جنسیت و ماهیت دروس وجود ندارد و t محاسبه شده هم به لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد (p. %۵). در ارتباط با سطح تحصیلات، نتایج جدول نشان می‌دهد که میانگین پاسخگویان فوق دیپلم ۳/۴۳ و پاسخگویان لیسانس ۳/۷۲ است. t به دست آمده (-۲/۷۲) با درجه آزادی ۳۰۸ در سطح ۵٪ از مقدار بحرانی جدول (۱/۹۶) بزرگ‌تر بوده، لذا تفاوت به لحاظ آماری معنادار می‌باشد. یعنی نگرش پاسخگویان با توجه به سطح تحصیلات آنان در مورد تأثیر تجهیزات آموزشی بر خلاقیت دانش آموزان یکسان نیست.



سؤال ششم پژوهش: آیا بین نگرش معلمان، در مورد تأثیر نوع اهداف و محتوای کتب درسی بر خلاقیت دانش‌آموزان به تفکیک جنسیت، سطح تحصیلات و ماهیت دروس تفاوت معناداری وجود دارد؟

جدول ۳: نتایج آزمون t گروه‌های مستقل در مورد سؤال ششم

جدول ۳: نتایج آزمون t گروه‌های مستقل در مورد سؤال ششم

ویژگی	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	t	درجه آزادی	سطح معناداری
جنسیت	زن	۳/۵۷	٪۸۹۳	۲/۶۰۴	۳۰۸	۰/۰۱۰
	مرد	۳/۲۹	٪۹۴۲			
سطح تحصیلات	فوق دیپلم	۳/۳۴	٪۹۳۷	-۲/۸۱	۳۰۸	۰/۰۰۵
	لیسانس	۳/۶۳	٪۸۷۲			
نوع درس	نظری	۳/۳۷	٪۹۲۴	-۱/۷۰۹	۳۰۸	۰/۰۸۸
	عملی	۳/۵۴	٪۹۱۴			

نتایج جدول ۳ حاکی از آن است که میانگین پاسخگویان زن برابر با ۳/۵۷ و پاسخگویان مرد برابر با ۳/۲۹ است. t به دست آمده (۲/۶۰۴) با درجه آزادی ۳۰۸ در سطح ۱٪ به لحاظ آماری معنادار می‌باشد.

در ارتباط با سطح تحصیلات، نتایج جدول نشان می‌دهد که میانگین پاسخگویان فوق دیپلم ۳/۳۴ و پاسخگویان لیسانس ۳/۶۳ است. t به دست آمده (-۲/۸۱) با درجه‌ای آزادی ۳۰۸ در سطح ۱٪ به لحاظ آماری معنادار می‌باشد.

نتایج همچنین حاکی است که میانگین پاسخگویانی که دروس نظری تدریس می‌کنند ۳/۳۷ و پاسخگویانی که دروس عملی تدریس می‌کنند ۳/۵۴ است. t به دست آمده (-۱/۷۰۹) با درجه آزادی ۳۰۸ در سطح ۵٪ به لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد.



سؤال هفتم پژوهش: آیا بین نگرش معلمان در مورد تأثیر نوع روش‌های تدریس معلمان بر خلاقیت دانش‌آموزان به تفکیک جنسیت، سطح تحصیلات و ماهیت دروس تفاوت معناداری وجود دارد؟

جدول ۴: نتایج آزمون t گروه‌های مستقل در مورد سؤال هفتم

جدول ۴: نتایج آزمون t گروه‌های مستقل در مورد سؤال هفتم

ویژگی	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	t	درجه آزادی	سطح معناداری		
							جنسیت	سطح تحصیلات
جنسیت	زن	۳/۸۵	٪۸۹۲	۲/۰۳	۳۰۸	۰/۰۴۳		
	مرد	۳/۶۴	٪۸۸۳					
سطح تحصیلات	فوق دیپلم	۳/۵۷	٪۸۵۸	۰۴/۹۸	۳۰۸	۰/۰۰۰		
	لیسانس	۴/۰۷	٪۸۶۴					
نوع درس	نظری	۳/۷۱	٪۹۳۶	-۱/۲۲	۳۰۸	۰/۲۲۴		
	عملی	۳/۸۳	٪۸۴۴					

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که میانگین پاسخگویان زن برابر با ۳/۸۵ و پاسخگویان مرد برابر با ۳/۶۴ است t به دست آمده (۲/۳) با درجه آزادی ۳۰۸ در سطح ۵٪ به لحاظ آماری معنادار می‌باشد.

در ارتباط با سطح تحصیلات، نتایج جدول نشان می‌دهد که میانگین پاسخگویان فوق دیپلم ۳/۵۷ و پاسخگویان لیسانس ۴/۰۷ است t به دست آمده (-۹۸/۴) با درجه آزادی ۳۰۸ در سطح ۱٪ به لحاظ آماری معنادار می‌باشد.

نتایج همچنین حاکی است که میانگین پاسخگویانی که دروس نظری تدریس می‌کنند ۳/۷۱ و پاسخگویانی که دروس عملی تدریس می‌کنند ۳/۸۳ است t به دست آمده (-۱/۲۲) با درجه آزادی ۳۰۸ در سطح ۵٪ به لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد.



سؤال هشتم پژوهش: آیا بین نگرش معلمان در مورد تأثیر تأکید زیاد بر نمره دانش‌آموز به عنوان ملاک ارزشیابی بر خلاقیت دانش‌آموزان به تفکیک جنسیت، سطح تحصیلات و ماهیت دروس تفاوت معناداری وجود دارد؟

جدول ۵: نتایج آزمون t گروه‌های مستقل در مورد سؤال هشتم

جدول ۵: نتایج آزمون t گروه‌های مستقل در مورد سؤال هشتم

ویژگی	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	t	درجه آزادی	سطح معناداری
جنسیت	زن	۱۸۲	۳/۰۳	-۰/۹۹۸	۳۰۸	۰/۳۱۹
	مرد	۱۲۸	۳/۱۴			
سطح تحصیلات	فوق دیپلم	۱۸۸	۳/۰۶	-۰/۳۶۶	۳۰۸	۰/۷۱۵
	لیسانس	۱۲۲	۳/۱۰			
نوع درس	نظری	۱۵۹	۳/۱۹	۲/۰۷	۳۰۸	۰/۰۳۹
	عملی	۱۵۱	۲/۹۶			

نتایج جدول فوق حاکی از آن است که بین میانگین پاسخگویان به لحاظ جنسیت و سطح تحصیلات تفاوت معناداری وجود ندارد ($p > 5\%$). یعنی نگرش پاسخگویان در مورد تأثیر تأکید زیاد بر نمره دانش‌آموز به عنوان ملاک ارزشیابی بر خلاقیت دانش‌آموزان به تفکیک جنسیت و سطح تحصیلات یکسان است.

نتایج همچنین حاکی است که میانگین پاسخگویانی که دروس نظری تدریس می‌کنند ۳/۱۹ و پاسخگویانی که دروس عملی تدریس می‌کنند ۲/۹۶ است. t به دست آمده (۲/۷) با درجه آزادی ۳۰۸ در سطح ۵٪ به لحاظ آماری معنادار می‌باشد.

بحث

براساس یافته‌های پژوهش در رابطه با سؤال یک، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که از دیدگاه معلمان کمبود و یا ضعف امکانات و تجهیزات آموزشی به میزان زیاد و بسیار زیاد مانع رشد خلاقیت دانش‌آموزان است. بنابراین می‌توان استنباط کرد، چنانچه معلمان و دانش‌آموزان به امکانات، تجهیزات و وسایل کمک آموزشی مناسب از قبیل امکانات آزمایشگاهی، سیدی‌های آموزشی، کتاب‌های مرتبط با موضوع درسی، کامپیوتر و سیستم‌های رایانه‌ای و امکانات ورزشی آموزشی، کتاب‌های مرتبط با موضوع درسی، کامپیوتر و سیستم‌های رایانه‌ای و



امکانات ورزشی مناسب دسترسی داشته، فضای فیزیکی مدارس، فضای مستعدی برای رشد خلاقیت باشد، همچنین دانش‌آموزان به اردوهای آموزشی و تفریحی، فضای مستعدی برای رشد خلاقیت باشد، همچنین دانش‌آموزان به اردوهای آموزشی و تفریحی، متناسب با محتوای کتاب‌ها، دروس و برنامه‌های آموزشی برده شوند، زمینه برای رشد خلاقیت در دانش‌آموزان مهیا می‌شود. یافته‌های پژوهش حاضر در ارتباط با این سؤال با بعضی از یافته‌های تحقیق شهرآرا (۱۳۷۴) که بیان می‌کند پرورش دهندگان خلاقیت از امکانات سمعی و بصری، کامپیوتر، کانال‌های ارتباطی و دیگر وسایل آموزشی بیشتر بهره می‌گیرند، همسویی دارد.

یافته‌های پژوهش در رابطه با سؤال دو نشان داد که از دیدگاه معلمان اهداف و محتوای کتب درسی به میزان زیاد و بسیار زیاد مانع رشد خلاقیت دانش‌آموزان است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت هرگاه محتوا فقط منتقل کننده حقایق و واقعیات علمی باشد. جز حفظ طوطی وار مفاهیم علمی نتیجه‌ای نخواهد داشت. محتوا زمانی قابل یادگیری است که باتوجه به دانش پیشین دانش‌آموزان و تفاوت‌های فردی آن‌ها انتخاب شده باشد. متأسفانه اکثر پژوهش‌های انجام گرفته در زمینه محتوای کتاب‌های درسی در نظام آموزش و پرورش ایران می‌رساند که طراحی اکثر کتاب‌های درسی بیشتر محتوا محور بوده و بیشتر نقش انتقال یک‌سویه محتوا را از معلم به دانش‌آموز دارد. نتایج پژوهش حاضر در ارتباط با سؤال فوق با نتایج تحقیق ادیب (۱۳۷۹) که بیان می‌کند در کتاب‌های دانش اجتماعی، جامعه‌شناسی، روانشناسی و برنامه ریزی تحصیلی بیش‌ترین پرسش‌ها و تکالیف در سطح حافظه ارائه شده و به تفکر واگرا و خلاقیت ذهنی توجه بسیار اندکی شده است، مطابقت دارد.

در رابطه با سؤال سوم براساس یافته‌های پژوهش، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که از دیدگاه معلمان عدم آشنایی و تسلط اندک معلمان بر شیوه‌های تدریس خلاق به میزان زیاد و بسیار زیاد مانع رشد خلاقیت دانش‌آموزان است. بنابراین می‌توان استنباط کرد و چنانچه معلمان از نظریه‌ها و اصول یادگیری و شیوه‌های تدریس خلاق شناختی نداشته باشند و تدریس را تنها انتقال واقعیت‌های علمی بدانند و تجارب یادگیری را منحصر به نشستن در کلاس، گوش دادن و حفظ کردن مطالب شنیده شده در کتاب تصور کنند، مسلم است که در تقویت حس کنجکاوی و پرورش خلاقیت دانش‌آموزان چندان موفقیتی به دست نخواهد آورد. یافته‌های پژوهش حاضر در رابطه با این سؤال با نتایج تحقیقات جعفری (۱۳۸۳)، لفرانکوویس (۱۹۶۷)، که بیان می‌کنند هرچه معلمان، دوره‌های کمتری دیده و در کارگاه‌های آموزشی کمتری شرکت نموده باشند، از روش سخنرانی بیشتر استفاده می‌کنند. همچنین آموزگاران صمیمی با ظرافت طبع، بیش از آموزگاران که به‌عنوان افراد با انضباط و منظم توصیف می‌شوند، رفتار خلاق را در دانش‌آموزان خود تشویق می‌کنند، مطابقت دارد.

یافته‌های پژوهش‌های در رابطه با سؤال چهارم بیانگر این بود که از دیدگاه معلمان، تأکید زیاد بر نمره دانش‌آموز به‌عنوان ملاک ارزشیابی، به میزان زیاد و بسیار زیاد مانع رشد خلاقیت دانش‌آموزان است. بنابراین می‌توان استنباط کرد، معلمانی که امتحان را به‌عنوان اهرم قدرت برای ارباب دانش‌آموزان تلقی کرده و از آن صرفاً برای رتبه‌بندی و ارتقای دانش‌آموزان از کلاسی به کلاس دیگر استفاده می‌کنند، عملاً باعث از بین رفتن خلاقیت در دانش‌آموزان می‌شوند. در حالیکه امتحان می‌تواند وسیله‌ای برای ایجاد رغبت در شاگردان برای یادگیری بهتر، تشخیص اینکه شاگردان تا چه اندازه به اهداف تعیین شده دست‌یافته‌اند، شناخت تفاوت‌های فردی شاگردان و



ارزیابی معلم از کار و عملکرد خودش به منظور ادامه یا اصلاح روش‌های به کار گرفته شده باشد. نتایج پژوهش در رابطه با سؤال فوق با بعضی از نتایج تحقیق جعفری (۱۳۸۳) که بیان می‌کند معلمانی که دارای مدرک تحصیلی پایین‌تری هستند به میزان بیشتری بر ارزشیابی نهایی (امتحان) تأکید می‌کنند، مطابقت دارد.

در ارتباط با سؤال پنجم پژوهش، نتایج بیانگر این بود که بین نگرش معلمان باتوجه به سطح تحصیلات، به لحاظ آماری، تفاوت معناداری وجود دارد. بدین معنا که معلمان لیسانس تأثیر کمبود و ضعف امکانات و تجهیزات آموزشی بر خلاقیت دانش‌آموزان را به مقدار بیشتری احساس کرده‌اند. ولی بین نگرش آن‌ها باتوجه به جنسیت و نوع درس تفاوت معناداری به لحاظ آماری مشاهده نگردید.

نتایج پژوهش در ارتباط با سؤال ششم، بیانگر این بود که بین نگرش معلمان باتوجه به جنسیت و سطح تحصیلات، به لحاظ آماری، تفاوت معناداری وجود دارد. بدین معنا که معلمان زن و معلمان با مدرک لیسانس تأثیر اهداف و محتوای کتب درسی بر خلاقیت دانش‌آموزان را به مقدار بیشتری احساس کرده‌اند. اما این نگرش آن‌ها باتوجه به نوع درس تفاوت معناداری وجود ندارد.

در ارتباط با سؤال هفتم، نتایج بیانگر این بود که بین نگرش معلمان باتوجه به جنسیت و سطح تحصیلات، به لحاظ آماری، تفاوت معناداری وجود دارد. بدین معنا که معلمان زن و معلمان با مدرک لیسانس تأثیر عدم آشنایی معلمان بر شیوه‌های تدریس خلاق بر خلاقیت دانش‌آموزان را به مقدار بیشتری احساس کرده‌اند. اما بین نگرش آن‌ها باتوجه به نوع درس تفاوت معناداری وجود ندارد.

همچنین نتایج تحقیق در ارتباط با سؤال هشتم، بیانگر این بود که بین نگرش معلمان با توجه به نوع درس، به لحاظ آماری، تفاوت معناداری وجود دارد. بدین معنا که معلمانی که دروس نظری تدریس می‌کنند، تأثیر تأکید زیاد بر نمرده دانش‌آموز بر خلاقیت را به مقدار بیشتری احساس کرده‌اند. اما بین نگرش آن‌ها باتوجه به جنسیت و سطح تحصیلات تفاوت معناداری وجود ندارد.

منابع

- ۱- آمابلی، ت. (۱۳۷۷). شکوفایی خلاقیت کودکان. ترجمه قاسم‌زاده. ح. و عظیمی. پ. تهران: انتشارات دنیای نو
- ۲- ادیب، ی. (۱۳۷۹). بررسی میزان توجه به ایجاد خلاقیت‌های ذهنی در کتب درسی دوره راهنمایی تحصیلی در سال تحصیلی ۷۹. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- ۳- اسبورن، ا. (۱۳۷۱). پرورش استعداد همگانی ابداع و خلاقیت. ترجمه قاسم‌زاده، ح تهران: انتشارات دنیای نو
- ۴- جعفری، نرگس. (۱۳۸۳). بررسی عوامل بازدارنده خلاقیت در مدارس ابتدایی استان سیستان و بلوچستان. پژوهشکده تعلیم و تربیت زاهدان.



- ۵- حسینی، ا.ا. (۱۳۷۶). چگونگی پرورش خلاقیت در دانش‌آموزان. تهران: انتشارات رشد معلم ۶-سام خانیان، م.ر. (۱۳۸۱). خلاقیت و نوآوری در سازمان و مدیریت آموزشی. تهران: انتشارات اسپند.
- ۷- شعبانی، ح. (۱۳۷۱). مهارت‌های آموزشی و پرورشی. تهران: انتشارات سمت.
- ۸- شهرآرا، م. (۱۳۷۴). خصوصیات پرورش دهندگان پویایی و خلاقیت، فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت، شماره، بهار ۱۳۷۴، ۷۴-۵۴.
- ۹- صفوی، ا.ا. (۱۳۶۵). کلیات روش‌ها و فنون تدریس. تهران: انتشارات معاصر.
- ۱۰- قاسمی، ف. (۱۳۸۰) راهبردهایی برای پرورش خلاقیت در معلمان و دانش‌آموزان "اولیا و مربیان". تهران: انتشارات آزمون نوین.
- ۱۱- فرنودیان، ف.ا. (۱۳۷۰). محتوای درسی و پرورش خلاقیت دانش‌آموزان، مجله رشد و تکنولوژی آموزشی، شماره ۷.
- ۱۲- کدیور، پ. (۱۳۸۲). روانشناسی تربیتی. تهران: انتشارات سمت.
- ۱۳- لفرانکوویس، گای آر (۱۹۶۷) روانشناسی برای آموزش. مترجم: منیژه شهینی ییلاق. انتشارات رشد.
- ۱۴- لوی، ا. (۱۳۶۹). برنامه‌ریزی درسی مدارس. ترجمه فریده مشایخ. تهران: انتشارات مدرسه.
- ۱۵- ملکی، ح. (۱۳۷۴). سازماندهی محتوای برنامه درسی. تهران: نشر قو.

منبع: مجله علوم تربیتی و روانشناسی (دانشگاه سیستان و بلوچستان)، شهریور ۱۳۷۸، شماره ۱۹



مؤسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان، نهادی غیردولتی و ناسودبر است. این نهاد در سال ۱۳۷۹ از سوی پژوهشگرانی که در حوزه ادبیات کودکان فعال بودند، پایه گذاشته شد و اکنون با بیش از ده سال پیشینه از فعالیت های گسترده، در سطح ملی و بین المللی به کار خود ادامه می دهد.

دفتر این مؤسسه در تهران است و شیوه همکاری با این نهاد به دو شکل کار رسمی و داوطلبانه است. مؤسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان هزینه های سازمانی خود را از راه کمک های مردمی و اجرای پروژه های فرهنگی و انتشاراتی به دست می آورد. چنانچه مؤسسه درآمدی داشته باشد، این درآمد را در راه گسترش هدف های خود هزینه می کند.

پیوندگاه:

koodaki.org	مؤسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان	کودکی
iranak.org	ایران کودکی	ایرانک
ketabak.org	پنجره ای به جهان خواندن	کتابک
amoozak.org	آموزش خلاق کودک محور	آموزک
khanak.org	با من بخوان	خوانک
rootak.org	پایگاه ارتباط فرهنگی کودک و نوجوان	روتک
dabire.org	درست بیاموز، تا درست بنویسی	دبیره
koodakar.org	سندوق آموزش و توانمند سازی کودکان کار و محروم	
hodhod.com	گزید هترین کتاب های کودک و نوجوان	کتاب هدهد